

# تامین مالی اسلامی و مسایل فراروی آن

## ویژگی‌ها و تعهدات نظام‌های اقتصادی اسلامی

ماخذ: Harvard University Forum on Islamic Finance / Islamic Finance: Challenges and Global Opportunities / Cambridge, Mass. USA / Oct. 1999

نویسنده: دکتر محمد نجات‌الله صدیقی  
مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

یعنی تامین‌کننده مالی (سرمایه‌گذار) و مجری به توافق می‌رسند که فرصتی برای به‌وجودآوردن ارزش افزوده و سود فراهم آمده است، آنها می‌خواهند از این طریق کسب سود و منفعت نموده و این سود را با هم تقسیم کنند. حال، با توجه به این که فعالیت‌های اقتصادی، بنا به تعریف، فعالیت‌هایی برای افزایش ارزش سرمایه می‌باشند، لذا بدون فعالیت اقتصادی سودی وجود نخواهد داشت که تقسیم شود، حتی امکان دارد که این فعالیت‌ها ناموفق از آب درآیند و به جای سود و منفعت، زیان آور باشند که در این حالت نه تنها سودی وجود ندارد، بلکه ممکن است بخشی از سرمایه نیز از میان برود و تلاش و کوشش مجری طرح نیز بی‌ثمر و بی‌فایده باشد.

پیوند میان فعالیت‌های اقتصادی واقعی که با هدف به‌وجودآوردن ارزش افزوده صورت می‌گیرند و معاملات مالی در سایر انواع فعالیت‌های مالی غیرمشارکتی اسلامی نیز تداوم می‌یابد، فعالیت‌هایی مانند مرابحه، سلم، استصناع و اجاره. تمامی این فعالیت‌های مالی که در قرن معاصر به‌وسیله بانک‌های اسلامی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مستلزم وقوع فعالیت‌های اقتصادی واقعی هستند. در تمام فعالیت‌های مرابحه، سلم، استصناع و اجاره حتماً بایستی مقداری کالا و یا خدمات وجود عینی داشته باشد. عرضه و تقاضای چنین کالاها و خدماتی در معاملات فوق بایستی به گونه‌ای باشد که به عنوان مکمل و پیش‌نیاز فعالیت‌های اقتصادی واقعی به

اقتصاد معاصر را درمان کند، اما هنوز برای رسیدن به جهانی امن‌تر، سالم‌تر و مرفه‌تر راهی طولانی درپیش است.

در اقتصاد اسلامی، افراد بدون هدف کسب سود و منفعت فردی به خدمت دیگران درمی‌آیند. سنت اسلامی "وقف" شاهدهی است از یک نوع رفتار فردی و اسلامی با هدفی اجتماعی که هم در گذشته و هم امروزه به دفعات در جوامع اسلامی مشاهده می‌شود. گسترش و رواج چنین رفتارهایی مستلزم کوشش و تلاش فوری تمام دست‌اندرکاران مسایل اقتصادی است.

گرچه ممنوعیت ربا توانسته است برخی از بیماری‌های اقتصاد معاصر را درمان کند، اما هنوز برای رسیدن به جهانی امن‌تر، سالم‌تر و مرفه‌تر راهی طولانی درپیش است.

### ویژگی‌های خاص تامین مالی اسلامی

در تامین مالی اسلامی بر ارتباط و پیوند میان بخش واقعی اقتصاد با بخش مالی، و مقدم‌بودن اولی (اقتصاد) بر دومی (مالیه) تاکید زیادی می‌شود. این پیوند در زمینه خدمات و سرویس‌های سرمایه‌گذاری و مالی بیشتر به چشم می‌آید. هنگامی که دو طرف،

### چکیده

در سال‌های اخیر برخی از ویژگی‌ها و مزایای خاص بانکداری اسلامی مجدداً مورد توجه صاحبان امر بانکرداری قرار گرفته است، ویژگی‌هایی از قبیل ارتباط نزدیک و تنگاتنگ میان مسایل عینی و واقعی اقتصاد و مالیه با مدل‌های نظری و در عین حال، وفاداری به اصول پذیرفته‌شده اقتصاد اسلامی موسوم به "مضاربه" و غیره.

به‌طور کلی، فعالیت‌های اقتصادی و مالی اسلامی می‌توانند کلیه نیازهای بازار معاملات و مبادلات تجاری را برآورده سازند و در نتیجه، نسبت به روش‌های سنتی و رایج غربی که فقط در فکر بازدهی بیشتر هستند، از کارآمدی بیشتری برخوردار می‌باشند. تامین مالی اسلامی با ابتکار هم‌زمان‌سازی تعهدات پرداخت با کسب تعهدات درآمدی، توانسته است نابسامانی و بی‌ثباتی بازارهای مالی را تا حد زیادی کاهش دهد. بانکداری اسلامی نقطه مقابل بانکداری سنتی است که هدف آن صرفاً خدمت به صاحبان سرمایه است.

این مقاله می‌کوشد تا نشان دهد که نوسانات شدید نرخ ارز تا چه حد بر کشورهای کوچک و ضعیف در حال توسعه تاثیر منفی خواهد گذاشت. لذا نیاز مبرمی برای وضع قوانین و مقررات خاص در این زمینه و اجرای آن توسط نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد احساس می‌شود. هرچند که ممنوعیت ربا توانسته است برخی از بیماری‌های

مالی کنونی، آن مواردی که از ممنوعیت ربا تاثیر نپذیرفته‌اند و محدودیت‌های موجود در بازار پول و قرض بر آنها تاثیر نگذاشته است، در زیر آمده‌اند:

۱- احتمال حرکت حجم عظیمی از سرمایه به درون یا بیرون کشور، به ویژه در مورد اقتصادهای خرد.  
 ۲- نوسانات شدید نرخ ارز که اثرات منفی گسترده‌ای را، به خصوص بر کشورهای درحال توسعه که به تجارت خارجی وابستگی شدیدی دارند، وارد می‌آورد.

۳- جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهانی‌سازی مالی و تسلط شرکت‌های چندملیتی بر

تولید کالا و خدمات رونق بخشد که در این میان، عامل اصلی فراهم‌آوردن فرصت لازم برای شکل‌گرفتن یک اقتصاد واقعی می‌باشد، اقتصادی که در آن پول به عنوان واسطه مبادلات مطرح است و نه هدف. مبادله پول با پول (بدانگونه که در سایر سیستم‌های سنتی شاهد آن هستیم) بیشتر به یک بازی قمار و شانس می‌ماند و ربطی به تولید کالا و خدمات ندارد. ممنوعیت ربا باعث شده است که پول مجدداً به نقش اصلی و اولیه خود، یعنی واسطه مبادله بازگردد و صرفاً یک وسیله قمار و شانس و بخت‌آزمایی نباشد.



▲ در اقتصاد اسلامی، پول فقط واسطه مبادلات است، نه هدف.

بازار که این جنبه‌ها، به خصوص بر کشورهای آفریقایی و آسیایی که فاقد پیشینه اجتماعی - فرهنگی لازم برای درک فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی هستند، بیشتر تاثیر خواهند گذاشت. این کشورها همچنین فاقد نظام اداری کارآمد، سیاستمداران پخته و رسانه‌های موثر که نقشی کلیدی را در جلوگیری از فعالیت‌های نامطلوب این

### فراسوی اقتصاد بدون ربا

حال بیابیم و نظری به جنبه‌های نگران‌کننده بازارهای مالی کنونی بیندازیم. همانطور که قبلاً نیز بدان اشاره شد، ممنوعیت ربای گامی عظیم در جهت بهبود وضعیت موجود بوده است. در بازارهای مالی کنونی جهان شما می‌توانید پول را در ازای کالا یا خدمات، پول یا قرض، مبادله نمایید. در چارچوب اسلام هیچ مشکلی در مورد اولی (مبادله کالا یا خدمات) وجود ندارد، ولی دومی تا حد زیادی محدود شده و سومی نیز به‌طور کلی از میان رفته است. قانون اسلام، قرض را فقط به صورت برابر و مساوی مجاز می‌داند که در آن، معاملات اسلامی موسوم به اجاره، سلم و استصناع قابل اجرا هستند.

از بین مشخصه‌ها و ویژگی‌های فعالیت‌های

حساب آید و نه چیزی برتر از آن و یا هدف آن. ممنوعیت "ربا" در اسلام باعث شده است تا درها برای تبادل مقادیر متفاوت پول و ارزش‌های مختلف بسته شوند و این امر نقطه‌ای مبهم و تاریک در بانکداری اسلامی بشمار می‌رود. برخی از محققان و متفکران عرصه اقتصاد اسلامی در مورد این موضوع سکوت کرده‌اند، اما چالش اصلی در این میان یافتن یک واسطه "طلایی" برای تبادل ارزش‌های مختلف می‌باشد.

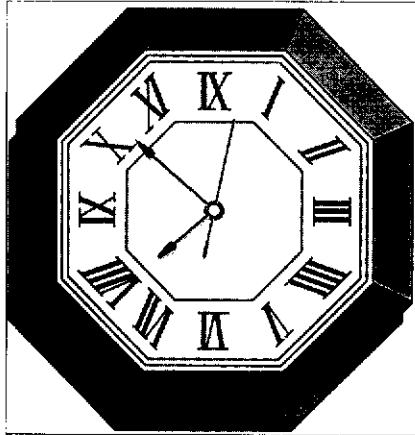
■ ■ ■  
**فعالیت‌هایی مانند مرابحه، سلم، استصناع و اجاره که در سال‌های اخیر به وسیله بانک‌های اسلامی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مستلزم وقوع فعالیت‌های اقتصادی واقعی هستند.**  
 ■ ■ ■

### قابلیت‌های مالی اسلامی

با استفاده از روش‌های گوناگون اسلامی مانند مشارکت، مضاربه، مرابحه، سلم، استصناع و اجاره می‌توان هر نوع فعالیت بازار را پوشش مالی داد. تمامی نیازهای مالی خارج از بازار را نیز می‌توان با استفاده از مشارکت بخش خصوصی و تعاونی و با اتکای بر روش‌های انسان‌مدارانه، برطرف نمود. البته مسایل مالی دولتی دیگری مانند کسری بودجه نیز وجود دارند که بررسی آنها از حوصله این بحث خارج است.

به نظر ما، روش‌های اسلامی بدون ربا می‌توانند جایگزین مناسبی برای روش‌های منفعت‌طلبانه سنتی باشند. لذا با همزمان‌سازی تمهیدات پرداخت و تمهیدات کسب درآمد، روش‌های مبتنی بر مشارکت قادر خواهند بود یکی از منابع اصلی بی‌ثباتی را در بازارهای مالی از میان بردارند. همچنین، با مرتبط‌ساختن سود حاصل از فعالیت واسطه‌ها با درآمد واقعی حاصل از سرمایه، تخصیص سرمایه‌ها برای پروژه‌های خاص به نحو آسان‌تری صورت می‌پذیرد. هرچند که در سال‌های اخیر، با غلبه یافتن روش‌های غیرمشارکتی در بانک‌های اسلامی، این مزایا تا حدی کمرنگ شده‌اند، اما با این همه، باز هم سیستم مالی اسلامی بهتر از هر سیستمی می‌تواند به

■ ■ ■  
**ممنوعیت ربا باعث شده است که پول مجدداً به نقش اصلی و اولیه خود، یعنی واسطه مبادله بازگردد و صرفاً یک وسیله قمار و شانس و بخت‌آزمایی نباشد.**  
 ■ ■ ■



▲ عقربه‌های ساعت مالیه جهانی به عقب بر نمی‌گردند.

بین‌المللی، بانک‌ها، موسسات مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری همگی دریافته‌اند که می‌توانند در کشورهای آفریقایی و آسیایی دست به فعالیت‌های اقتصادی و پول‌آفرینی بزنند. اما در این بین، مشکلاتی در زمینه روانی، فرهنگی و سیاسی وجود دارند: نمایندگان کیف‌به‌دست (غالباً غربی) شرکت‌های چندملیتی که از در هتل‌های پنج‌ستاره بیرون می‌آیند، همچنان در حال و هوای دوران استعمار باقی مانده‌اند. این پندارها چگونه تغییر خواهند یافت؟ استخدام افراد محلی می‌تواند تا حدی به حل این مشکل کمک کند. گسترش و تعمیق بینش و نگرش شرکت‌های چندملیتی و توجه آنها به ابعاد اجتماعی فعالیت‌های سودمدارانه خود نیز کمک بیشتری خواهد کرد.

**اقتصاد اسلامی، به ابعاد اجتماعی زندگی بشر توجه بسیار دارد و در نتیجه، فردگرایی و خودخواهی را نفی کرده است.**

بدون شک تحقق این آرمان، مستلزم تشویق گردشگری و کمک به شرکت‌های داخلی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های توریسم و جذب توریست‌های خارجی و در نتیجه، جلب سرمایه‌های خارجی است. برای نیل به این مقصود افزودن بر تعداد آنتن‌های ماهواره‌ای، کازینوها و کلوب‌های شبانه و در عین حال، اجتناب از برانگیختن احساسات افراد بومی و محلی، می‌توانند راه‌حل‌های منطقی و عاقلانه‌ای

سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ در جنوب شرقی آسیا شاهد بودیم، پدیده‌ای کشنده و مهلک است و به همگان نشان می‌دهد که شناور بودن نرخ ارز تا چه حد می‌تواند خطرناک باشد. آنچه در زیر خواهد آمد، نقل‌قولی است از گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۹ در این زمینه: "هنگامی که بازار، بیش از حد به دنبال دستیابی به نتایج اجتماعی و سیاسی است و فرصت‌ها و مزایای جهانی‌سازی به‌طور نابرابر و نامساوی تقسیم می‌شود و قدرت و ثروت میان یک طبقه خاص از افراد ملل و شرکت‌ها انباشته می‌شود و دیگران به حاشیه رانده می‌شوند و هنگامی که کنترل بازار از دست خارج می‌شود و بی‌ثباتی و نابسامانی و بحران‌های شدید اقتصادی به‌طور اخص آسیای جنوب شرقی، و به‌طور اعم کل جهان را متاثر می‌سازد و باعث افت دو تریلیون دلاری تولید جهانی می‌شود و هنگامی که انگیزه‌های مادی و پول، بازیگران عرصه بازار را لجام‌گسیخته و خارج از کنترل می‌گردانند، اخلاقیات افراد به چالش کشیده می‌شوند و مفاهیمی مانند عدالت و حقوق بشر مورد تهدید قرار می‌گیرند."

البته بایستی تا حدی در مورد ثابت‌نگهداشتن نرخ ارز اقدام کرد تا بدین وسیله زمینه برای همزیستی میان کوچک و بزرگ و ضعیف و قوی فراهم آید. بدیهی است که این کار مستلزم وضع قوانین و مقررات خاصی در زمینه جریان سرمایه است. البته زمان‌بندی و شرایط خاص اجرای چنین قوانینی نیز مسأله‌ای جدی است و ابهامات خاص خود را دارد. به علت فقدان یک نهاد بین‌المللی که این وظیفه را برعهده گیرد، بهترین گزینه برای وضع این قوانین و مقررات، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی خواهند بود.

برای وضع چنین قوانین و مقرراتی، در وهله اول بایستی زمینه را به گونه‌ای آماده کنیم که فقط و فقط، عرضه و تقاضا، تعیین‌کننده نرخ ارز باشند و این کار تنها از یک نهاد که دارای منابع نامحدودی در زمینه ارز و پول و به عبارت صحیح‌تر، دارای قدرت پول‌آفرینی است، ساخته است. حال باید دید که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با توجه به اساسنامه و قانون اساسی خود، با چه وظیفه خطیری روبرو هستند. در اینجا است که یک درک و تفاهم بین‌المللی ضرورت می‌یابد.

عقربه‌های ساعت مالیه جهانی به عقب بر نمی‌گردند. این بهترین فرصت برای کشورهای کوچک و درحال توسعه است، چون که غول‌های مالی

شرکت‌ها ایفا می‌کنند، هستند.

در اینجا خواهیم کوشید تا هرکدام از این مسایل را یک به یک مورد بررسی قرار دهیم: در یک ساختار اسلامی، به‌ندرت پیش می‌آید که ورود سرمایه خارجی به صورت وام باشد، چون که در این حالت هیچ سودی به آن تعلق نخواهد گرفت. این سرمایه می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه محلی به منظور اجرای پروژه‌های میان‌مدت و بلندمدت و یا کوتاه‌مدت باشد، یا این که در قالب قراردادهای مضاربه صورت پذیرد. با اینهمه، قراردادهای دیگری در قالب اوراق و اسناد مالی مانند اجاره، سلم و استصناع نیز قابل اجرا می‌باشند. علاوه بر اینها، دو نوع سرمایه خارجی، یکی شراکت بلندمدت و سرمایه‌گذاری مراحه‌ای و دیگری سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت در سهام مشترک و اسناد مالی نیز وجود دارند که در همگی آنها یک نقطه مشترک وجود دارد. در این نوع سرمایه‌گذاری‌ها بی‌ثباتی و نابسامانی ناشی از خروج سرمایه خارجی به حناقل می‌رسد.

**در یک ساختار اسلامی، به‌ندرت پیش می‌آید که ورود سرمایه خارجی به صورت وام باشد، زیرا در این حالت هیچ سودی به آن تعلق نخواهد گرفت.**

در این بین، وضع برخی از قوانین هم ضروری به‌نظر می‌رسد. جیمز توبین معتقد است که بایستی زمینه را فراهم نمود تا فعالیت‌ها و سیاست‌های منفرد و محدود جای خود را به تفاهم و درک بین‌المللی بدهند و برای این کار بایستی یک نهاد بین‌المللی، در قالب یکی از بخش‌های سازمان ملل ایجاد شود و تصمیماتی را در زمینه سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مالی اتخاذ نماید که از نظر شوون اجتماعی، سیاسی و اخلاقی، با تفکرات و اعتقادات مسلمانان همخوانی کامل داشته باشد.

سیاست تک‌نرخ‌بودن ارز که پس از جنگ دوم وضع شده بود، در سال ۱۹۷۱ و به دنبال ناتوانی ایالات متحده آمریکا در ثابت‌نگهداشتن نرخ‌ها و عمل به تعهدات خود در قبال ارزش طلا فروریخت. در حال حاضر هم بازگشت به استاندارد طلا، نه عملی و نه مطلوب است، اما نوسانات نرخ ارز، از آن نوع که در

که نشان می‌دهند که در طی ۵۰ سال اخیر وجود افراد مطلع و اخلاقگرا باعث بروز تحولاتی در زمینه تولید، مصرف و تجارت شده است.

هیچ چیزی نمی‌تواند ویژگی‌های خاص اقتصاد اسلامی را که در بالا بدان‌ها اشاره شد، تغییر دهد، حتی پدیده منحصر به فرد اقتصاد اسلامی، یعنی وقف. برخلاف زکات و ممنوعیت ربا، هیچ اجبار قانونی و دولتی خاصی پشت سر وقف وجود ندارد. هیچ فرد مسلمانی مجبور نیست که تحت شرایط خاص، مایملک خود را وقف نماید. با این حال، هیچکس نمی‌تواند منکر آن شود که وقف از دوران پیامبر آغاز شده و در تمام تاریخ اسلام تداوم یافته است. وقف یکی از آن ویژگی‌های اقتصاد اسلامی است که توجه بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب کرده است، آن هم بدان علت که در آن، فرد سرمایه شخصی خود را برای اهداف اجتماعی و عمومی واگذار می‌کند.

یکی از ارکان سرمایه‌داری، آزادی سرمایه‌های شخصی است، اما در یک نظام اقتصادی اسلامی، ابعاد اجتماعی و اخلاقی مقدم بر سود شخصی بوده و محدودیت‌هایی در زمینه تولید و مصرف و کسب سود وضع شده است. برای آگاهی یافتن از ویژگی‌های نظام اقتصادی اسلامی منابع چندی وجود دارند، از جمله آثار ابن تیمیه، غزالی، محمد الحسن الشیخانی و ابویوسف. با این حال، تلاش‌های صورت گرفته در زمینه بررسی نهادهای اقتصادی اسلامی و ارزش‌های اسلامی در اقتصاد بسیار اندک بوده است. اما ما شواهد کافی برای اثبات حقانیت نظام اقتصادی مبتنی بر اخلاقیات و تجربیات آن در دوران معاصر و در کشورهای غربی و شرقی در دست داریم. بررسی و مطالعه چنین تجربیاتی، از اولویت‌های اساسی دوران ما بشمار می‌آید. ■

که نیاز مبرمی وجود دارد که گام را فراتر نهند. گام‌هایی که تاکنون در زمینه مالی اسلامی برداشته شده، گام‌هایی لازم بوده‌اند، اما کافی نیستند.

## ویژگی‌ها و تعهدات نظام‌های اقتصادی اسلامی

بیش از هر چیز، بانکداری و مالیه اسلامی، یک نوع زیرمجموعه فرهنگی از اقتصاد اسلامی بشمار می‌آید، اقتصادی که بیش از هر چیز به فکر عدالت و اخلاقیات در زندگی روزمره است. اما عدالت و اخلاقیات چیزهایی نیستند که بتوان آنها را در قالب مقررات و قوانین به دیگران دیکته کرد، به‌ویژه هنگامی که صحبت از حمایت از ضعیف در مقابل قوی باشد. برای چنین کاری، یک سلسله تغییرات رفتاری در میان کلیه نهادهای اقتصادی، از جمله سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان در سطوح ملی و بین‌المللی ضروری به‌نظر می‌رسند. در اینصورت است که همگان در صلح و صفا زندگی خواهند کرد. اما آیا اقتصاد اسلامی چیزی در چنته دارد تا این آرزو را تحقق بخشد؟

عشق کمک‌کردن به دیگران، در یطن فرهنگ اقتصادی اسلامی نهفته است و همین عشق است که مسلمانان را از خودخواهی و تکبر دور نگاه میدارد. اقتصاد اسلامی برخلاف اقتصاد سنتی که در قرن بیستم بر عرصه اقتصاد جهان تسلط کامل داشت، به ابعاد اجتماعی زندگی بشر توجه بسیاری داشته و در نتیجه، فردگرایی و خودخواهی را نفی کرده است. در این نظام اقتصادی، اخلاقیات به عنوان موتور محرکه عمل می‌کنند و مقدم بر منفعت فردی به حساب می‌آیند. به‌طور کلی، شاید بتوان ابعاد اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی را تا حدی انکار کرد، اما ابعاد اخلاقی آن را به‌هیچ‌وجه. شواهد متعددی وجود دارند

باشند. این هم طبیعی خواهد بود که بومیان به ورود غریبان به‌دیده تردید بنگرند و آن را نشانه‌ای از هجمه و نفوذ فرهنگ غربی و به عنوان عامل تهدیدکننده آداب و رسوم اجدادی خود بدانند.

به نظر می‌رسد که کشورهای دارای نظام پادشاهی، با این موضوع به صورتی جانبدارانه برخورد می‌کنند. آنهایی که احساس می‌کنند که برای دفاع از مرزها و سرحدات خود بایستی وارد اتحادیه‌های منطقه‌ای شوند، حتی ممکن است برای حفظ امنیت داخلی خود هم از شرکت‌های خارجی کمک بگیرند. اما وابستگی بیش از حد به شرکت‌های چندملیتی و سایر غول‌های مالی بین‌المللی می‌تواند زنگ خطر دیگری باشد که برای این کشورها به صدا درآمده است. وجود ساختارهای ابتدایی و پیش‌پاافتاده اداری، نهادهای سیاسی بی‌تجربه و بی‌سوادی گسترده مردم و جامعه نمی‌تواند راه این خطر جدید را سد سازند، لذا برای دفع این بلا بایستی اقدام به مشورت، اختراع و ابداع (البته با کمک نهادهای بین‌المللی و تحت نظارت سیستم سازمان ملل) نمود.

در پایان این بخش، ذکر دو نکته خالی از فایده نیست:

اول اینکه، همگان متفق‌القول و معتقدند که اقتصاددانان اسلامی کلیه مشکلات ناشی از رویدادهای کنونی بازارهای مالی به‌طور اخص و جنبه‌های اقتصادی زندگی به‌طور اعم را به مساوات در میان بخش‌های دخیل بخش نموده‌اند. به عبارت بهتر، ما (اقتصاددانان اسلامی) همراه با شما در جستجوی راهی بهتر برای اداره کردن امور و مسایل زندگی هستیم.

دوم اینکه، بایستی زمینه‌ای را فراهم کرد که در آن به افرادی که فکر می‌کنند با ممنوعیت ربا تمام مشکلات مالی و اقتصادی حل خواهد شد، ثابت شود

**مجله بانک و اقتصاد برای شما تهیه می‌شود و از آن شما است. بنابراین**

**مطالب خودتان را برای درج در نشریه ارسال فرمایید.**